

# آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کارآفرینی

اشرف یعقوبی نجف‌آبادی  
آموزش و پرورش نجف‌آباد

## چکیده

در این مقاله، ضمن اشاره به چالش‌های موجود در آموزش کارآفرینی، برنامه‌ریزی درسی متمرکز و غیرمتمرکز را در قالب یک مدل و یک رویکرد بینابین به برنامه‌ی درسی معرفی کرده است، که در آن، ضمن پیروی از یک چارچوب کلی، که در سطح کشور تهیه شده به مناطق اجازه داده شده است که برنامه‌ی درسی را به اقتضای نیازهای مدرسه و فرهنگ محل خود شکل دهند.

## کلیدواژه‌ها: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، برنامه‌ریزی

درسی، بازارکار تمرکززدایی، اشتغال و کارآفرینی

## مقدمه

در دهه‌های اول قرن بیستم، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با رویکرد تربیت نیروی انسانی مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفت. پیشرفت‌های علمی و فناوریانه (تکنولوژیکی) بعد از جنگ جهانی اول زمینه را برای رشد سریع نظام‌های تربیتی فنی و حرفه‌ای مهیا کرد. در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم، توسعه‌ی همه‌جانبه با محوریت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به‌مثابه‌ی یک راهبردی، در دستور کار کشورها قرار گرفت و موجب دگرگونی عمیق در محتوا، روش‌ها و ابزارهای آموزش فنی و حرفه‌ای گردید. در چنین شرایطی برنامه‌ریزی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با مشکل مواجه شد و بحث نیازسنجی، هدف‌گزینی، تدوین

راهبردهای مبتنی بر واقعیت، تهیه‌ی محتوای دروس متناسب با نیاز جامعه و به‌کارگیری روش‌های تدریس مؤثر و ارزش‌یابی از میزان آموخته‌های فراگیران به‌صورت عملی دنبال نشد. این وضعیت تا اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ ادامه داشت (جهانی، ۱۳۸۵؛ ص ۳۱).

در کشور ما نیز آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در چند دهه‌ی گذشته با مسائل و مشکلات فراوانی همراه بوده است. با اندکی تأمل می‌توان این مشکلات را به دو دسته‌ی ساختاری و فراساختاری تقسیم کرد. مشکلات ساختاری به مسائلی گفته می‌شود که ریشه در عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارند و به‌طور غیرمستقیم نظام آموزش فنی و حرفه‌ای را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند، اما مشکلات فراساختاری مستقیماً بر نظام فنی و حرفه‌ای تحت‌تأثیر می‌گذارند و عمدتاً از نظام مدیریت و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و منابع و امکانات درون‌تشکیلاتی برمی‌خیزند.

برنامه‌ریزی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای فرایند پیچیده‌ای است که از یک‌سو حامل عوامل فراساختاری و از سوی دیگر متأثر از عوامل درون‌ساختاری است. در بسیاری از موارد اهداف، محتوا و روش‌های اجرای برنامه‌های فنی و حرفه‌ای، نه براساس واقعیت‌ها بلکه بر پایه‌ی نگرش‌ها و تفکرات نظام‌های اقتصادی، سیاسی و مدیریتی حاکم بر جامعه، شکل می‌گیرد. در این حالت دانش‌آموختگان (فارغ‌التحصیلان) نظام‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای یا از



شخصیتی و اساس آن بر مفهوم و نظریه استوار است نه بر شهود و بصیرت (همان مرجع).

### ویژگی‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

قبل از آن‌که در برنامه‌ریزی درسی در نظام‌های آموزش فنی و حرفه‌ای به مسئله‌ی داشتن و نداشتن تمرکز پرداخته شود باید ماهیت، ویژگی‌ها و ملزومات آن در دنیای کنونی روشن شود. هر اندازه هدف‌های نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و نقش آن‌ها در ساختار جوامع کنونی و انتظارات جامعه شفاف‌تر مطرح گردند بهتر می‌توان درباره‌ی آن‌ها برنامه‌ریزی کرد.

تغییرات سریع و همه‌جانبه‌ی جوامع، تعاریف پیشین را با چالش جدیدی مواجه کرده و ناکارآمدی آن‌ها را آشکار کرده‌اند. از این‌رو می‌بینیم که سازمان بین‌المللی کار (ILO) در دهه‌های گذشته ناگزیر شده چندین بار از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تعریف جدیدی ارائه دهد. برای نمونه، در تعاریف پیشین آمده است که «واژه‌ی آموزش فنی و حرفه‌ای به هر نوع آموزشی اطلاق می‌شود که به وسیله‌ی آن دانش و مهارت فنی یا تجاری حاصل می‌شود یا توسعه می‌یابد، اعم از این‌که در مدرسه باشد یا در محیط کار».

در تعریف دیگری (سال ۱۹۶۲) آمده است: «آموزش باید به گونه‌ای طراحی شود تا شخصیت افراد مخصوصاً در جایی که جوانان مطمح نظر هستند توسعه یابد» (صالحی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۶). آن‌چه امروزه صاحب‌نظران به یک باور مشترک دست یافته‌اند، به زبان ساده این است که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در معنای جدید آن، هم به مفهوم کاری (شغلی) است و هم به مفهوم شهروندی. بنابراین دارا بودن مهارت‌های عملی صرف و شناخت ابزاری برای دانش‌آموختگان برنامه‌های فنی و حرفه‌ای کافی نیست و نیاز بازار کار دنیای کنونی را تأمین نمی‌کند. سپس، مهارت و صلاحیت کلیدی ارائه‌شده در جدول شماره‌ی یک را معرفی می‌کند.

### ابعاد عمده و شرح شایستگی‌های کلیدی

#### • بُعد عمومی و ابزاری:

دانش و مهارت‌های شغلی، که نقش اساسی و نهایی دارند و در بسیاری از موقعیت‌ها به کار گرفته می‌شوند، عبارت‌اند از: مهارت‌های اساسی، نظیر مهارت در ریاضیات،

کمبود مهارت رنج می‌برند، یا مهارت‌های آنان با نیازهای جامعه هم‌سویی ندارد، ضمن این‌که روحیه‌ی کار و تلاش لازم به فراگیران داده نشده است.

در این جاست که، علاوه بر موارد مطرح‌شده، موضوع کار و کارآفرینی در جامعه مطرح می‌گردد. اهمیت مسئله‌ی کار و کارآفرینی از نظرگاه اسلام و نظام ارزش‌ها، ادیان آسمانی و مکاتب فکری و ارزشی بر هیچ‌کس پوشیده نیست و جزء برنامه‌های آموزشی و درسی انسان‌ها، در هر آئینی است و امروزه در تربیت نسل جوان باید از آن بهره گرفت (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۲). تنها از طریق آموزش و پرورش است که می‌توان میلیون‌ها دانش‌آموز خلاق و کارآفرین تعلیم داد و میلیون‌ها شغل ایجاد کرد.

**صفات کارآفرینی اکتسابی است و نه ارثی و ژنتیکی، باید آموزش و پرورش با برنامه‌ریزی و سازماندهی زمینه‌ی کسب خصوصیات روحی دانش‌آموزان را در جهت ایجاد و روحیه‌ی کارآفرینی فراهم کند و این ویژگی‌ها را در آنان بیوراند. زیرا کارآفرینی رفتار است نه ویژگی شخصیتی و اساس آن بر مفهوم و نظریه استوار است نه بر شهود و بصیرت**

### کارآفرینی در نظام آموزشی

مفهوم و تعریف کارآفرینی، با توجه به ماهیت و ساختار نظام‌های آموزشی، مورد توجه قرار می‌گیرد. با این نگرش می‌توان کارآفرینی در آموزش و پرورش را چنین تعریف کرد: کارآفرینی در آموزش و پرورش فرایند منظم و مستمری است که از یک سو به شناسایی و بهره‌برداری مؤثر از کلیه‌ی منابع درونی و بیرونی نظام آموزشی منجر می‌شود و از سوی دیگر موجب ایجاد فرصت‌های جدید یاددهی-یادگیری می‌گردد. این فرایند با تکیه بر دو محور آموزش فراگیرنده‌ی کارآفرین و فراهم آوردن زمینه‌های بروز و ظهور آن محقق می‌گردد (احمدپور، ۱۳۷۹).

از آن‌جا که صفات کارآفرینی اکتسابی است و نه ارثی و ژنتیکی، باید آموزش و پرورش با برنامه‌ریزی و سازماندهی زمینه‌ی کسب خصوصیات روحی دانش‌آموزان را در جهت ایجاد و روحیه‌ی کارآفرینی فراهم کند و این ویژگی‌ها را در آنان بیوراند. زیرا کارآفرینی رفتار است نه ویژگی

## تقویت روحیه‌ی خودکنترلی

باید به فراگیرنده آموزش داد که همه‌ی شکست‌ها عامل بیرونی ندارند. باید به تلاش و انرژی درونی خود متکی بود و شکست‌ها و پیشرفت‌ها نتایج عملکرد خود اوست.

## علاقه‌مندی به کار

آموزش و پرورش باید زمینه‌ی تلاشگری و روحیه‌ی کار، را برای توسعه‌ی اقتصادی فراهم نماید. باید اعتماد به نفس، روحیه‌ی پایداری، غلبه بر مشکلات و داشتن عزمی راسخ برای کسب موفقیت را به دانش‌آموزان آموخت.

## تقویت و ایجاد روحیه‌ی خوش‌بینی و اصرار بر حل مشکلات

آموزش و پرورش باید دانش‌آموزان را هدفمند، واقع‌بین و حلال مشکلات توسط خودشان بار بیاورد.

توجه به مختصات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نواحی مختلف لازمه‌ی موفقیت‌آمیز بودن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است، واقعیتی که در یک برنامه‌ریزی کاملاً متمرکز تحقق‌پذیر نخواهد بود

## آموزش روحیه‌ی مخاطره‌پذیری

رسالت مهم آموزش و پرورش تربیت کارآفرینان شجاع، متعهد و پرافتخار است و باید آنان را از مخاطرات احتمالی و محافظه‌کاری دور کند. از دیگر ویژگی‌های کارآفرینان، که باید به پرورش آن‌ها پرداخت ایجاد روحیه‌ی دوراندیشی، مسئولیت‌پذیری، همکاری، دقت، کمال‌جویی، خلاقیت و نوآوری، پافشاری، بصیرت، خودجوشی، توانایی سازگاری و... است.

البته لازمه‌ی اجرای این امور این است که تمام کادر مدرسه، چه آموزشی و چه غیر آموزشی، در اندیشه‌ی رویکرد گروهی باشند تا با تبادل نظر و برقراری هماهنگی‌های لازم، به شکل‌گیری برنامه‌ی درسی در سطح مدرسه کمک شود و در مراتب بالاتر نیز لازم است همه در مراتب صف و ستاد، علاوه بر تقویت خلاقیت و نوآوری، در یک راستا تفکر و عمل کنند.

زبان و خواندن، تکنیک عمومی چگونه دانستن، دانش عمومی زبان‌ها، دانش عمومی حساب کردن، توانایی دستکاری اطلاعات، توانایی طرح‌ریزی کار، آگاهی از کیفیت و بینش تجاری.

• بعد شناختی:

شامل تفکر و عمل است (حل مسائل، تفکر انتزاعی، فراشناخت، مهارت‌های تاکتیکی).

• بعد شخصیتی:

شامل نشان دادن رفتار فردی مثبت است (اتکای به نفس، مسئولیت‌پذیری، قاطعیت، تقدم در عمل، سازگاری با موقعیت و موقعیت‌های پر استرس، خلاقیت، تمایل به موفقیت و پشتکار و پی‌گیری).

• بعد اجتماعی-ارتباطی:

شامل توانایی ارتباط است (توانایی ابراز وجود، توانایی کار جمعی با گروه و همدلی).

• بعد اجتماعی-هنجاری:

شامل توانایی انطباق خود با فرهنگ مشارکت است (وفاداری، تشخیص، تعهد، آمادگی برای حضور در دوره‌های آموزش بیشتر، استمرار و دانش سازمانی).

• بعد راهبردی:

شامل رفتار آزادی‌بخش است، هم‌چنین، نشان دادن نگرش انتقادی راجع به کار و علایق شخصی خود (برخورد انتقادی با انتخاب‌ها و امکانات در زمینه‌ی فنی و پیامدهایی که به دنبال دارند، مشارکت فعال در تصمیم‌گیری و بهبود علایق).

جدول شماره‌ی یک ابعاد شایستگی‌های کلیدی مورد نیاز بازار کار (منبع، سیف، علی‌اکبر)

در کنار شایستگی‌های فوق و مضافاً مفاهیمی چون خوداشتغالی و کارآفرینی، در دنیای کار امروز نکات بسیار مهمی است که به مهارت‌هایی فراتر از دانش ابزاری و روندی مربوط می‌شوند و به توانایی‌هایی چون «خلاقیت»، «طراحی» و «حل مسئله» اشاره دارند.

آموزش و پرورش باید زمینه‌ی تلاشگری و روحیه‌ی کار، را برای توسعه‌ی اقتصادی فراهم نماید. باید اعتماد به نفس، روحیه‌ی پایداری، غلبه بر مشکلات و داشتن عزمی راسخ برای کسب موفقیت را به دانش‌آموزان آموخت

## شکاف بین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و بازار کار

از جمله عواملی که ضرورت برنامه‌ریزی غیر متمرکز را طلب می‌کند تناسب نداشتن آموزش‌ها با نیاز بازار کار است. از جمله دلایل اصلی این اشکال وجود تعامل ضعیف بین سه حوزه پژوهش، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و عملکرد نظام آموزش فنی و حرفه‌ای است.

برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای باید تصمیم‌گیری خود را از نتایج یافته‌های پژوهشگران تأمین کنند و اصلاً نباید از یافته‌های پژوهشی بی‌اطلاع بمانند. آن‌ها باید آن دسته از آموزش‌ها را گزینش کنند که با پیش‌فرض‌های آنان در قبال این آموزش‌ها سازگاری و هم‌سویی داشته باشد.

اصولاً سیاست دولت بر مبنای کارآفرینی و عدم استخدام است و در آموزش، به‌ویژه آموزش و پرورش، کارآفرینی و ایجاد روحیه کارآفرینی در افراد وجود ندارد یا با آن بسیار ضعیف برخورد شده است. با وجودی که کارآفرینی تنها در برخی رشته‌های کاردانش تدریس می‌شود و نتایج قابل ملاحظه‌ای در برداشته است، ولی به این ماده‌ی درسی و تأمین معلم مخصوص برای آن کم‌توجهی شده است با وجود تشکیل کلاس‌ها و جلسات ویژه نتیجه‌ی مطلوب نداشته است.

نکته‌ی قابل اشاره در حوزه‌ی تعلیم و تربیت، برخلاف حوزه‌هایی نظیر صنعت و بهداشت، این است که نتایج پژوهش با تأخیر بیش‌تری به دست مصرف‌کنندگان می‌رسد. هم‌چنین برخی پژوهش‌ها به مشکلات منطقه‌ای و روش‌های تدریس و مدرسه‌ای کم‌تر می‌پردازند یا آن‌ها را از نزدیک لمس نمی‌کنند و چه‌بسا یافته‌های آن‌ها در دنیای واقعی چندان مورد استفاده قرار نگیرد. این موارد، با توجه به سرعت تغییرات و دگرگونی‌هایی که در دنیای کنونی رخ می‌دهند از اهمیت والایی برخوردار است.

از این‌رو برنامه‌ریزی غیرمتمرکز در نظام‌های آموزش فنی و حرفه‌ای باعث می‌شود که نیازها، مشکلات و الزامات دنیای واقعی مناطق مختلف مورد توجه قرار گیرند و تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها برای حل مشکلات واقعی بهتر صورت گیرد و ضمانت اجرایی بیش‌تری داشته باشند.

به‌طور کلی بازوهای تعامل بین سه مؤلفه‌ی ارائه‌شده‌ی فوق باید از نیروی بیش‌تری برخوردار گردد. در این رویکرد می‌توان از اقدام پژوهی<sup>۱</sup> به‌منزله‌ی یک ابزار مؤثر کمک

گرفت و در آن مربیان و آموزشیارانی که در جبهه‌ی مقدس نظام آموزشی ایفای نقش می‌کنند و از زوایای تاریک و روشن دنیای واقعی تدریس آگاهی بیش‌تری دارند، دست به پژوهش بزنند و یافته‌های خود را بلاواسطه مورد استفاده قرار دهند. به‌عبارت دیگر، علاوه بر نزدیک کردن پژوهش به دنیای واقعی، فاصله‌ی زمانی بین تولیدکننده و مصرف‌کننده را نیز به حداقل ممکن کاهش دهند.

## آموزش و پرورش باید دانش‌آموزان را هدفمند، واقع‌بین و حلال مشکلات توسط خودشان بار بیارود

### مختصات اجتماعی اقتصادی و فرهنگی مناطق مختلف

عامل دیگری که توجه‌کننده‌ی تمرکززدایی در برنامه‌ریزی درسی است گوناگون بودن مختصات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مناطق مختلف است. شرایط طبیعی، جغرافیایی، زیست‌محیطی و فرهنگی مناطق مختلف طیف وسیعی از مشاغل را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. برای نمونه، رشته‌هایی چون شیلات، جنگل و مرتع‌داری، صنایع دستی، معدن، زراعت زعفران، هتلداری را نمی‌توان در همه‌ی نقاط کشور دایر کرد، زیرا کاربرد ندارد و لازم نیست. حتی دایر شدن آن‌ها در هر منطقه باید درخور همان منطقه باشند و محتوای آن‌ها نیز متغیر باشد. از جمله محتوای رشته‌هایی چون معدن باید، بسته به نوع معادن محل، تنظیم شود و با توجه به نوع معادنی که در نزدیکی محل سکونت شاگردان است متفاوت گردد.

در کنار این، به‌دلیل خانواده‌محور بودن جامعه‌ی ایرانی، ارزش‌های حاکم بر جوامع فرهنگ‌های محلی و به‌تبع آن خانواده‌ها، سازمان کار و مشاغل را در مناطق مختلف متأثر می‌سازد. برای نمونه، نظام کار و اشتغال در خرده‌فرهنگ‌هایی چون جوامع ترکمن در استان‌های گلستان و خراسان شمالی، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای با جامعه‌ی اکثریت ایران دارد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۵، ص ۲۰).

با توجه به مطالب فوق، پرواضح است که توجه به مختصات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نواحی مختلف لازمه‌ی موفقیت‌آمیز بودن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است، واقعیتی که در یک برنامه‌ریزی کاملاً متمرکز تحقق‌پذیر نخواهد بود.

آموزش‌های دوگانه، که در چند سال اخیر در آموزش و پرورش در حال اجراست، علاوه بر کارآفرینی و ایجاد اشتغال برای بسیاری از دانش‌آموختگان دانشگاهی، بیش‌تر براساس نیازسنجی و امکانات منطقه‌ای پایه‌گذاری شده‌اند و این خود یکی از نشانه‌های موفقیت تمرکززدایی در آموزش و پرورش است و توسعه‌ی فرهنگ کارآفرینی را به دنبال دارد.

پرورش خلاقیت، تفکر انتقادی، خودباوری مثبت، عزت‌نفس... به تعامل روش تدریس و محتوا بستگی دارد، تا برنامه را از فضای ذهنی خارج و به دنیای واقعی نزدیک کند (جهانی، ۱۳۸۵؛ ص ۳۷). بنابراین، از برنامه‌ریزی متمرکز نمی‌توان انتظار داشت که در تدوین محتوا و معرفی روش‌های تدریس، موارد فوق را کاملاً رعایت کند. از این‌رو، باید بخشی از برنامه‌ریزی درسی را به‌طور غیرمتمرکز و در سطح منطقه‌ی آموزشی و مدرسه انجام داد و نباید تمرکز راه را برای خلاقیت و بروز استعدادها ببندد.

در بین کشورهای اروپایی، سوئد، که یکی از الگوهای موفق در آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای است در فرایند تغییر و تحول در ساختار این نظام آموزشی، چهار محور را هدف قرار داده که اولین آن تمرکززدایی از امور اجرایی و تصمیم‌گیری‌های آموزشی در نظام آموزش حرفه‌ای است (مهمویی و فرهادی، ۱۳۸۵؛ ص ۱۴۸). از جمله هدف‌هایی که در این تجربه‌ی نوین سوئد دنبال شد این بود که مدارس فنی‌وحرفه‌ای با توجه به نیاز منطقه‌ای، بومی گردیدند تا ضمن ممانعت از مهاجرت بی‌مورد، فاصله‌ی فراغت از تحصیل تا اشتغال کاهش یابد و روش‌های تدریس با توجه به محتوا تغییر کند (همان منبع).

## نتیجه‌گیری

در دهه‌های اخیر آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای، از جنبه‌های مختلف از جمله در اهداف، محتوا، شیوه‌های تدریس و آموزش با تغییرات متعدد روبه‌رو بوده است. بخش اعظم این دگرگونی‌ها آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای را تحت‌تأثیر قرار داده است.

شاید توجیه تمرکززدایی از برنامه‌ریزی درسی در دیگر حوزه‌ها چندان کار آسانی نباشد و طرفداران آن ناگزیر شوند برای اثبات ادعای خود به انواع نظریه‌ها و یافته‌های پژوهشی استناد کنند. اما به‌نظر می‌رسد که در حوزه‌ی

آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای با چنین مشکلی کم‌تر روبه‌رو باشیم.

**مدت‌هاست که دیگر تربیت افرادی ماهر که صرفاً به ابزار و روندهای انجام شغل تسلط داشته باشند، از دستور کار آموزش و پرورش خارج شده است. لازمه‌ی اشتغال حداکثری، خوداشتغالی و کارآفرینی به مهارت‌های پیچیده‌ای چون، خلاقیت، خودباوری، حل مسائل و مهارت‌های بین‌فردی وابسته است**

مدت‌هاست که دیگر تربیت افرادی ماهر که صرفاً به ابزار و روندهای انجام شغل تسلط داشته باشند، از دستور کار آموزش و پرورش خارج شده است. لازمه‌ی اشتغال حداکثری، خوداشتغالی و کارآفرینی به مهارت‌های پیچیده‌ای چون کارآفرینی، خلاقیت، خودباوری، حل مسائل و مهارت‌های بین‌فردی وابسته است. پرورش این ویژگی‌ها را نمی‌توان در قالب یک برنامه‌ی مدون و از پیش تعیین‌شده تنظیم کرد و به علت پیچیدگی این امر و دخالت در عوامل مختلف و احتمالاً پیش‌بینی نشده، اجرای یک برنامه‌ی درسی با مشکل مواجه می‌شود یا به نتایج ضعیفی منجر می‌گردد.

یکی از دلایل ضعف عمده‌ی عملکرد ضعیف هر نظام آموزشی ممکن است این باشد که بین حوزه‌ی پژوهش، برنامه‌ریزی و اجرا بسیار فاصله است. به‌طوری که پژوهشگران از مسائل و مشکلات دنیای واقعی دور می‌مانند و یافته‌های ضعیفی ارائه می‌دهند.

از طرف دیگر، برنامه‌ریزان در سطح کلان و هم‌چنین، مجریان از یافته‌های پژوهشی، به علت نبود مکانیزم‌های کارآمد، یا اصولاً بی‌اطلاع می‌مانند یا دیرآگاهی می‌یابند و یا گزینشی عمل می‌کنند. به‌عبارت ساده‌تر، «آگاهی» که لازمه‌ی موفقیت است بین این سه حوزه از رونق کافی برخوردار نیست. از این‌رو، تمرکززدایی بازوهای تعامل بین این سه حوزه را تا حداکثر ممکن تقویت می‌کند، به‌طوری‌که برنامه‌ریزان همان کسانی خواهند بود که از نزدیک مشکلات و مسائل را لمس می‌کنند و چه‌بسا براساس یافته‌های پژوهشی خود تصمیم می‌گیرند.

وابسته بودن کار و اشتغال به مختصات طبیعی، زیست‌محیطی و فرهنگی اجتماعی مناطق مختلف

ایجاب می‌کند که امر برنامه‌ریزی درسی در نظام‌های فنی‌و حرفه‌ای تا حدودی بر دوش کسانی محول شود که شرایط را از فاصله‌ی نزدیک‌تری مشاهده می‌کنند. راهکارهایی که در این مقاله ارائه می‌شود حرکت از سوی یک چهارچوب ملی به سوی یک برنامه‌ریزی منطقه‌ای- مدرسه‌ای است. مدلی که در آن چهارچوب کلی به‌طور متمرکز تهیه و تدوین شده باشد، اما تا آنجا انعطاف‌پذیر است که مدارس به مقتضای شرایط خاص خود، بتوانند آن‌ها را با نیازها و احتمالاً جامعه‌ی محلی خود متناسب کنند.

**وابسته بودن کار و اشتغال به مختصات طبیعی، زیست‌محیطی و فرهنگی اجتماعی مناطق مختلف ایجاب می‌کند که امر برنامه‌ریزی درسی در نظام‌های فنی‌و حرفه‌ای تا حدودی بر دوش کسانی محول شود که شرایط را از فاصله‌ی نزدیک‌تری مشاهده می‌کنند**

### پیش‌نهادهای

- ساختار آموزشی، به‌ویژه در بخش فنی‌و حرفه‌ای، به سمت تمرکززدایی حرکت کند. به‌طوری که تصمیم‌گیری در مورد نوع رشته و آموزش‌های لازم منطقه‌ای به‌عهده‌ی افرادی باشد که نیازهای منطقه را شناسایی کنند و براساس آن استعدادها را شکوفا نمایند.
- برای آموزش کارآفرینی باید به ترجمه و تدوین محتوای مناسب پرداخت و آن را به‌صورت موضوعی جداگانه یا قابل تلفیق با موضوعات درسی دیگر در برنامه‌ی درسی مدارس وارد ساخت.
- درباره‌ی اتخاذ سیاست کلان (دادن آموزش اندک به هرکسی) یا سیاست نخبه‌گزینی (دادن آموزش بسیار به عده‌ی خاصی) باید سنجیده تصمیم‌گیری شود.
- توسعه‌ی مراکز آموزش دوگانه و نیازسنجی آموزشی، قبل از تدوین برنامه‌ی درسی بر مبنای تمرکززدایی صورت گیرد.
- آموزش کارآفرینی را باید در تمام مقاطع آموزش توسعه داد، به‌طوری که تأکید مقطع ابتدایی بر هدف نخست و تأکید مقاطع راهنمایی و متوسطه بر اهداف بعدی باشد.
- ارتباط بین صنایع و ادارات محل در مناطق با

آموزش و پرورش برقرار شود و نیاز نیروی کار در هر رشته و عنوانی مشخص گردد، که لازمه‌ی آن تشکیل کمیته‌های ویژه در هر منطقه‌ای تحت حمایت دولت است. هم‌چنین، با صنایع تولیدی و خدماتی و واحدهای کشاورزی ارتباط داشته باشد و از سویی نیازها در اختیار آموزش و پرورش قرار گیرد و براساس آن رشته‌های درسی تنظیم گردد. - آموزش و پرورش مناطق، ضمن بررسی نیازهای ادارات کار و تحقیقات انجام شده، امکانات مورد نیاز تحصیل رشته‌ها را فراهم سازد.

### پی‌نوشت

#### 1. Action research

### منابع

۱. احمدپور، محمود (۱۳۷۹)، کارآفرینی، تعاریف نظریه‌ها، الگوها، تهران، انتشارات پردیس.
۲. احمدپور، محمود، عزیزی، کارآفرینی، وزارت آموزش و پرورش، دفتر برنامه‌ریزی کتب آموزشی، کاردانش، ۱۳۸۴.
۳. آزاد ارمکی، تقی؛ سازمان سنتی، ارزش‌های خانوادگی و آموزش توسعه‌ای؛ مجموعه مقالات نقش آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای در تحولات اقتصادی و اجتماعی؛ جلد دوم، مازندران؛ ۱۳۸۵.
۴. بازرگان، عباس، نیازسنجی آموزشی، تهران، انتشارات پیک، ۱۳۸۶.
۵. جهانی، جعفر؛ تدوین برنامه‌ی بودمانی، بستر مناسب برای ارتقای کیفیت آموزش فنی‌و حرفه‌ای، مجموعه مقالات نقش آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای در تحولات اقتصادی و اجتماعی، جلد اول، مازندران، ۱۳۸۵.
۶. حسن مهمویی، بهروز؛ فرهادی؛ مینو، نقش و تحولات مراکز آموزش فنی‌و حرفه‌ای در فراهم آوردن زیرساخت اقتصادی و اجتماعی دانش‌محور، مجموعه مقالات نقش آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای در تحولات اقتصادی و اجتماعی؛ جلد دوم، مازندران؛ ۱۳۸۵.
۷. صالحی، صادق؛ تحول آموزش و فنی‌و حرفه‌ای و مکانیزم نوسازی، مجموعه مقالات نقش آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای در تحولات اقتصادی و اجتماعی، جلد اول، مازندران، ۱۳۸۵.
۸. طوسی، محمدعلی، مشارکت و مدیریت مشارکت‌جو، سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۸۷.
۹. سیف، علی‌اکبر، روان‌شناسی پرورشی، روان‌شناسی یادگیری و آموزش؛ تهران، نشر آگاه، ۱۳۸۴.